



خروج از اسپاتیفای

اسپاتیفای به‌عنوان یکی از بزرگترین سرویس‌های ارائه‌دهنده خدمات صوتی روزهای بدی را می‌گذرانند زیرا با مشخص شدن نقش دنیل اک، مدیرعامل اسپاتیفای در هدایت سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیون یورویی شرکت آلمانی «Helsing» که در زمینه فناوری‌های دفاعی مبتنی بر هوش مصنوعی فعالیت دارد و بر توسعه پهپادهای جنگی خودکار و فناوری‌های نظارتی تمرکز کرده است، شمار هنرمندانی که در اعتراض به روابط مالی اسپاتیفای با صنعت تسلیحات خواستار حذف آثار خود از این پلتفرم شده‌اند، روبه افزایش است. گروه راک استرالیایی King Gizzard and the Lizard Wizard یکی از این گروه‌هاست که در پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «به درک اسپاتیفای!» گروه راک کالیفرنیایی Xiu Xiu نیز در اینستاگرام اعلام کرد که در حال کار روی حذف کامل آثارش از «چاه زباله‌ای به‌نام اسپاتیفای» است. پیش از این، گروه آوانگارد Deerhoof نیز کل آرشیو موسیقی خود را حذف کرده و در بیانیه‌ای اعلام کرده بود: «ما نمی‌خواهیم موسیقی‌مان باعث مرگ انسان‌ها شود.»



بیانیه انجمن منتقدان

انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران در پی «اظهارنظرها و نوشته‌های غیر حرفه‌ای و کارشناسی درباره فیلم‌های ایرانی» در بیانیه‌ای ضمن قدردانی از کوشش‌های منتقدان شریف، مستقل و صاحب‌صلاحیت، به تحلیل وضعیت موجود و آسیب‌های آن پرداخته و بر ضرورت بازشناسی جایگاه نقد و منزلت منتقد در روزگار اختلاط و آشفتگی تاکید کرده است. این انجمن در بیانیه خود عنوان کرده: «سینمای ایران برای تداوم بلوغ، نیازمند بازگشت به نقدی معتبر است؛ نقدی روشنگر، نه مخدوش‌گر» و شرایط کنونی را چنین توصیف کرده است: «آنچه این روزها، در سایه گسترش بی‌ضابطه فضای مجازی و رسانه‌های سطحی بر نقد سایه افکنده، چیزی است میان ابتذال، سلیقه‌گرایی و نمایش‌های هیجانی و نقد که از ساحت اندیشه به نمایشگاهی از ژست، عقده‌کشایی و قضاوت‌های شخصی فروکاسته شده است.» در این بیانیه چنین سقوطی، هم‌شان منتقد را می‌کاهد، هم عقلائیّت سینمایی و گفت‌وگوی فرهنگی را که یکی از ارکان جامعه مدنی است به‌خطر می‌اندازد.



انتخاب دبیران جشنواره‌های فیلم فجر

رئisd فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی با صدور احکامی، منوچهر شاهسوری را به‌عنوان دبیر جشنواره ملی فیلم فجر و روح‌الله حسینی را به‌عنوان دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر منصوب کرد. در حکم فریدزاده خطاب به منوچهر شاهسوری آمده است: «انتظار می‌رود نمایش پایمردی، رشادت‌ها و دفاع سرافرازانه ملت شریف و نجیب ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در این رخداد جلوه و جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.» در حکم رئیس سازمان سینمایی خطاب به روح‌الله حسینی نیز بر همین مقوله تاکید شده است. در بخشی دیگر از این حکم نیز چنین آمده است: «جشنواره جهانی فیلم فجر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی و هنری کشور، مأموریت دارد که با معرفی سینمای متعهد و خلاق ایران، تعاملات هنری با سینماگران جهان را گسترش دهد و بستری برای گفت‌وگوی فرهنگی میان ملت‌ها فراهم آورد.»



عکس: Gettyimages

نظر عمل نیست

خوانشی انتقادی از منازعه مجازی بر سر تقدم ایران و غزه



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

بیراه نیست اگر گفته شود دفتر خاورمیانه با هفت اکتبر ۲۰۲۳، به‌فصلی به‌تمامی متفاوت رسید و چنان تحولی در ذهنیت و میدان مناسبات سیاسی، نظامی و امنیتی به وقوع پیوست که برای کمتر تحلیلگری چندماه پیش از آن، پیش‌بینی‌پذیر بود. واکنش‌ها به حمله حماس در آغاز نیز یکسان نبود. برخی آن را حماس‌سوار ستودند و برایش جشن گرفتند. دیگرانی آن را تروریسم نامیدند و تقبیح‌اش کردند. بعد از گسترش جنگ میان اسرائیل با فلسطینی‌های ساکن غزه و پدیدارشدن این واقعیت که غیرنظامیان به‌خصوص کودکان از دایره این درگیری بیرون

نیستند، اما پرسشی مهم‌تر رخ نمود و آن اینکه، مرزهای این جنگ تا کجایمی‌تواند گسترش‌یابد؟ و حتی اگر اسرائیل را در مقام دفاع از خود در مقابل حمله حماس فرض کنیم، تا چه حد از پاسخ‌نظامی را می‌توان مشروع و قانونی قلمداد کرد؟ همین نکته ارضادر پاسخ کسانی چون بورگن‌هابرماس مورد توجه قرار گرفت و او ضمن اینکه «عملیات ارتش اسرائیل علیه این اقدامات تروریستی» را «به‌لحاظ اصولی موجه» دانست، بدین نکته نیز اشاره کرد که: «راهِبر این عملیات باید اصل تناسب، اجتناب از کشتن غیرنظامیان و پیشبرد جنگ با ملاحظه‌دستیابی به صلح در آینده باشد.»

ایران یا رفح؟

جز این پرسش، تقابلی نیز در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت برای معطوف‌ساختن ذهن جهانیان به فجایی که بر مردم عادی در چنین جنگ نابرابری می‌رود. در همان زمان بود که

هشتگ «همه چشم‌ها به رفح» فراگیر شد، قریب به ۵۰ میلیون بار به اشتراک گذاشته شد و حتی بسیاری از ستاره‌های موسیقی و سینمای جهان، از دوآلیپا تا سوزان ساراندون نیز همراهی خود را با آن اعلام کردند. در همین بجنوبه اما گروهی از ایرانیان، عطف اعتنای کاربران هموطن به بحران فلسطین را نادرست دانستند و هشتگی با عنوان «همه چشم‌ها به ایران» را بازنشر دادند. از نظر این گروه از کاربران، بحران‌های پیش روی ایران، خود چنان سهمگین است که هر ایرانی باید نخست چشم به این مصائب بگشاید و اگر توش و توانی دارد، برای رفع آنها اقدام کند. در کنار این، این برداشت نیز در این مقابله‌به‌مثل مجازی گویی وجود داشت که سیاست‌های حکومت ایران در قبال بحران فلسطین، به مشکلات فعلی کشور و حتی فلسطین منجر شده است، بنابراین با هشتگ «همه چشم‌ها به ایران» باید این پیام را بازتاب داد که باید در آن سیاست‌ها بازنگری بنیادی شود.

ایران یا غزه؟

تب‌وتاب این مقابله مجازی اینک بار دیگر با وقوع فحطی در غزه بالا گرفته است. گروهی در استوری اینستاگرام می‌نویسند: «غزه قتل جوعا» (غزه از گرسنگی در حال مرگ است) و در مقابل دسته‌ای دیگر با استناد به بحران قطع آب و برق در ایران، چنین عبارتی را بازتاب می‌دهند: «ایران فی الظالم و العطش» (ایران تاریک‌وتشنه‌است). چنین تقابلی البته گاه‌فراتر از اعلام‌مواضع به اشکالی از تفتیش عقاید نیز راه می‌برد؛ وقتی که هریک از طرفین؛

تازه می‌شود و با هر بمب، هر خاکستر، هر ویرانی و هر غم، دوباره روایت می‌شود. اما همان‌گونه که کوزولک هشدار می‌دهد، فضای تجربه بدون افق انتظار، در خود فرو می‌باشد. در غزه، افق انتظار، به‌رغم همه‌ی نشانه‌های ویرانی هنوز زنده است. انتظار، نه به‌عنوان پیش‌بینی، بلکه به‌عنوان امکان همچنان در غزه حضور دارد. کوزلک می‌نویسد: «انتظارات از گذشته جدا نیستند، بلکه بر تجربه‌های گذشته تکیه دارند. همان‌گونه که تجربه بر انتظار تأثیر می‌گذارد، انتظار نیز به تجربه معنا می‌بخشد.» نکته حائز اهمیت این است که غزه، در برابر گرسست این دو، نوعی مقاومت پدید آورده است. او همچنین بیان می‌کند: «تجربه، گذشته‌ای است که در ذهن و بدن باقی مانده است. اما انتظار، نگاهی است به آینده‌ای که هنوز نیامده است. این دو در تعامل دائمی‌اند. هیچ انتظاری بدون پیوند با تجربه شکل نمی‌گیرد و هیچ تجربه‌ای بدون نگاه به افق آینده معنا نمی‌یابد.» در غزه، تجربه تاریخی مردمان با خشونت، اشغال و جنگ عجین شده است. اما کوزلکی‌ترین جنبه‌ی این مکان در آن است که به‌رغم فشردگی و تراکم رنج، افق از انتظار زوده نشسته است، بلکه برعکس همین افق است که به تجربه‌ها معنا می‌بخشد و آنها را از تبدیل‌شدن به حافظه‌ای بی‌حاصل نجات می‌دهد. انتظاری که نه بر پایه‌ی اطمینان، بلکه بر پایه‌ی امکان و ایمان شکل می‌گیرد؛ انتظاری که می‌داند ممکن است به تحقق نرسد، اما همین ممکن بودن برای معنادادن به اکنون کافی است.

در نزد کوزلک اگر فضای تجربه چنان متراکم شود که هیچ گشایشی به افق انتظار باقی نماند، جامعه وارد وضعیتی می‌شود که جیمز منش آن را در تحلیلی از مفاهیم کوزلک تحت عنوان «زمان بسته» عنوان می‌کند. این زمان بسته حالت‌هایی را شکل می‌دهد که باعث می‌شود تجربه‌های گذشته چنان متراکم و مسلط شوند که

از خاك تا آرزو

فضای تجربه و افق انتظار در روایت مقاومت غزه

است که هنوز بر حال حاضر تأثیر دارند. به‌عبارت‌دیگر، فضای تجربه همان چیزی است که انسان‌ها از گذشته به یاد دارند و در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند. از سوی دیگر افق انتظار به آرزوها، پیش‌بینی و تصورات از آینده اشاره دارد. این افق شامل امیدها، نگرانی‌ها، رویاها و انتظاراتی است که انسان درباره آینده دارند. افق انتظار بر خلاف فضای تجربه به سوی آینده‌ای باز و ناشناخته نگاه می‌کند و به ما امکان می‌دهد تا به سوی چیزی فراتر از زمان حال حرکت کنیم.

کوزولک در مقاله کلیدی و مهم «فضای تجربه و افق انتظار: دو دسته‌بندی در معنای تاریخی» تاکید می‌کند که تجربه گذشته نه‌فقط آگاهی تاریخی ما را شکل می‌دهد بلکه چارچوبی برای امکان‌پذیرشدن انتظار آینده فراهم می‌سازد. در غزه این فضای تجربه آمیخته به زخم، اشغال، مقاومت، انفجار و سوگواری است؛ تجربه‌ای که نه‌فقط در بدن، در خاک، در خانه‌های ویران و در دیوارها نقش بسته است. کوچه‌هایی که بارها بازسازی و ویران شده‌اند، مدرسه‌هایی که به پناهگاه بدل شده‌اند و بیمارستان‌هایی که خود به هدف حمله بدل می‌شوند، همه مکان‌هایی‌اند که بار تجربه‌ی تاریخی را به دوش می‌کشند. این مکان‌ها همان‌گونه که پیر نورا می‌گوید: «نه‌فقط حافظه را منتقل می‌کنند، بلکه خود حافظه شده‌اند.» غزه به‌سان یک حافظه‌ی زنده است که هرروز به‌روز می‌شود، زخم‌اش

علی حسنی

پژوهشگر علوم سیاسی

مسئله فلسطین یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین مناقشات جهان معاصر است که بیش از هفت دهه است که در مرکز توجه جامعه بین‌المللی قرار دارد. این مسئله نه‌تنها یک چالش سیاسی و جغرافیایی بلکه عمیقاً با ماهیمی همچون هویت، حافظه جمعی و امید به آینده گره خورده است. برای درک بهتر این بحران پیچیده می‌توان از دو مفهوم کلیدی راینهارت کوزولک، نظریه‌پرداز و تاریخ‌نگار شهیر آلمانی تحت عنوان «افق انتظار» و «فضای تجربه» استفاده کرد. این دو مفهوم به ما این امکان را می‌دهد تا تاریخ فلسطین را نه‌فقط به‌عنوان مجموعه‌ای از رویدادها، بلکه به‌عنوان فضایی پیچیده از تجربه‌های زیسته و امیدهای ناتمام ببینیم. این دو مفهوم به‌شکلی پیچیده با یکدیگر در ارتباط هستند. همان‌گونه که کوزولک بیان می‌کند: «هیچ انتظاری بدون تجربه و هیچ تجربه‌ای بدون انتظار وجود ندارد.» این امر به ما کمک می‌کند تا تاریخ را به‌عنوان فرآیندی زنده و پویا ببینیم نه‌صرفاً مجموعه‌ای از رویدادهای گذشته. فضای تجربه، به تمامی آنچه در گذشته رخ داده است و همچنان در حافظه جمعی انسان‌ها باقی مانده، اشاره دارد. این فضا شامل خاطرات، روایت‌ها، اسطوره‌ها و تجربیات فردی و جمعی